

زمان و مکان ارزیابی و جبران خسارات قراردادی در حقوق ایران. امارات و کنواسیون بیع بین‌المللی کالا با نگاه به فرضیه نسبت اخلاق

^۱ منصور شکیبیا
^۲ پژمان محمدی
^۳ سیاوش شجاع پوریان

چکیده

با توجه به قاعده نسبت اخلاق در جوامع مختلف زمان و مکان ارزیابی خسارت دو عامل مستقل نقش آفرین در تعیین میزان خسارت هستند؛ دسته‌ای از خسارات از زاویه‌ی عامل زمان، به لحظه و زمان خاصی ارتباط دارند. مثل خسارت ناشی از عدم حصول ارزش موضوع تعهد، در دارایی متعهدله که در واقع زمان صرفاً برای تشخیص یک قیمت از میان قیمت‌های ارزش در مورد تعهد در یک فاصله زمانی است. دسته‌ی دیگر خسارت مربوط به یک مقطع زمانی است، که در آن مقطع خسارت یک پدیده‌ی نابهنجار از زاویه‌ی اخلاق است. مثلاً با توجه به نگاه اخلاقی متفاوتی که به بهره‌ی پول وجود دارد؛ برای تعیین بهره‌ی پول یا منافع اعیان، مبدأ زمان ارزیابی بهره و منافع از چه زمانی تا چه زمانی است؛ از حیث عامل زمان در حقوق ایران، با نگاه به پدیده‌ی نابهنجار غصب، از منظر فقیهان اخلاق مدار و حقوقدانان ارزش‌معیار، ملاک‌های مختلفی است که آثار مختلف دارد. مناسب‌ترین زمان اخلاقی پرداخت خسارت، یوم‌الادا و از لحاظ مکان، مکان زیان‌دیده است؛ در حقوق امارات زمان اخلاقی ارزیابی خسارت، زمان وقوع حادثه یا ورود خسارت و مکان ارزیابی خسارت، محل تسلیم کالا، انعقاد قرارداد و اقامتگاه متعهد است؛ در کنواسیون بیع بین‌المللی کالا، شاخص‌های مختلفی از قبیل زمان انعقاد قرارداد، مدت معقول منتهی به فسخ قرارداد، ثمن اخلاقی رایج زمان فسخ قرارداد مفروض است که حسب مورد مبنای محاسبه و ارزیابی قرار می‌گیرد. از لحاظ مکان ارزیابی با نگاه اخلاق لم‌محور محل تسلیم کالا مناسب‌ترین مکان سازگار با روح مقررات کنواسیون است.

واژگان کلیدی

زمان، مکان، ارزیابی، خسارات، نسبت اخلاق.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

Email: shakiba.mansour55@yahoo.com

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Meryar1381@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

Email: dr.shojapourian@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۸/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳

طرح مسأله

ارزیابی و جبران خسارات قراردادی با تکیه بر اصول حاکم از جمله اصل جبران کامل خسارات وارده در حقوق کشورهای مختلف دنیا به منظور اعاده وضع زیان‌دیده و استقرار توازن وی که در اثر نقض تغییر کرده، نهادینه شده است. آثار دعوای ناشی از مسئولیت قراردادی و عهد شکنی حکم نهایی بر جبران خسارات وارده از ناحیه ناقض قرارداد است و دادرس در مقام ارزیابی خسارت، میزان آن را باید در کدام یک از زمان‌ها یعنی زمان وقوع خسارت یا زمان صدور حکم ملاک ارزیابی قرار دهد تا خسارات وارده بر زیان‌دیده بطور کامل جبران گردد. این امر با آموزه‌های اخلاقی نیز تناسب و سازگاری دارد.

در گستره‌ی مطالعه‌ی عمیق تطبیقی با بهره‌گیری از عوامل پویایی فقه مانند عقل مستقل، بناء عقلا و قاعده‌ی لاضرر است که مسئولیت مدنی ناشی از ایراد خسارت و روش‌های جبران آن در حقوق اسلام و ایران اثبات می‌شود و در این نوشتار سعی شده است با تتبع در منابع حقوقی نظام‌های حقوقی موضوع بررسی قرار گیرد و کهنگی مقررات و نظریات حاکم بر حقوق ایران را هر چند که از دهه‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ که قانون مدنی ایران قانون تجارت مورد تصویب و تقنین قرار گرفته، تغییرات اساسی و چشمگیری که بتوان آن را یک تحول بنیادین محسوب نمود، بعمل نیامده است، با کاروان نظام حقوقی جهانی به سوی تازگی و منطبق با نیازهای زمانه و پیچیدگی‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی امروزی سوق داده شود. بدیهی است کهنگی و عدم کفایت حقوق ایران در خصوص مسئولیت قراردادی و چگونگی تعیین خسارت ناشی از آن بیشتر صادق است. در فقه امامیه که در واقع ناحیه‌ی نظام حقوقی ایران است سخن صریح و قایل ملاحظه‌ای در خصوص مسئولیت قراردادی به میان نیامده و غور مورد نیازی به عمل نیامده است و به ضمانت اجرای الزام به انجام عین تعهد اکتفا شده است، پاسخگوی مشکلات و اختلافاتی که از روابط حقوقی پیچیده‌ی جوامع پر جمعیت کنونی ناشی می‌شود نبوده، با مقتضیات حقوق جدید سازگاری ندارد. مکان و زمان جبران خسارات قراردادی، از این وضعیت متأثر است که محتاج بررسی و تطبیق با نظام‌های حقوقی معاصر است.

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (کنوانسیون وین ۱۹۸۰) که در سال ۱۹۸۸ به مرحله اجراء درآمد، حاصل تلاش طولانی برای دست‌یابی به مقررات یکنواخت در زمینه بیع بین‌المللی کالا است و مبتنی بر اسناد بین‌المللی از جمله اسناد اصول اروپایی قراردادهای تدوین شده، از حیث تطبیق و پیروی قابل توجه است.

پیشینه

راجع به مروری بر شیوه‌های خاص ارزیابی خسارت قراردادی با تکیه بر مواد ۷۵ و ۷۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران در مجله‌ی تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱ توسط آقای محمد بهمنی در سال ۱۳۸۶ مطالبی بیان گردیده است.

در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی آقای محمد رضا شرافت پیمان در سال ۱۳۷۸ شیوه‌های جبران خسارت در حقوق ایران و مصر مورد بحث قرار گرفته است.

آقای محسن قاسمی پیرامون جبران خسارت نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در حقوق ایران، فرانسه، مصر و لبنان، در سال ۱۳۸۴ در مجله حقوقی نشر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۲ بررسی بعمل آورده است.

در پژوهش‌های معنونه که عمدتاً به شیوه‌های ارزیابی و جبران خسارت پرداخته شده است، بطور مستقل و ماهیتی به مسئله‌ی زمان و مکان ارزیابی خسارت قراردادی توجه مبذول نگردیده است. در نوشتار حاضر، علاوه بر تحلیل استقلالی و ماهیتی زمان و مکان ارزیابی، حقوق امارات متحده‌ی عربی نیز با حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مورد تطبیق قرار گرفته است.

روش تحقیق

روش تحقیق کتابخانه‌ای و سطح مطالعه از نوع توصیفی، تحلیلی است و با اخذ راهنمایی و مشاوره از استادان راهنما و مشاور صورت گرفته است.

ساختار تحقیق

این نوشتار پس از ذکر چکیده، مقدمه و پیشینه در دو مبحث و چهار گفتار که مبحث اول تحت عنوان زمان و مکان ارزیابی مشتمل بر دو گفتار و شش بند در حقوق ایران، امارات و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و مبحث دوم با عنوان زمان و مکان جبران خسارت مشتمل بر شش بند در حقوق سه گانه و فرضیه نسبیت اخلاقی ارائه می‌گردد. سپس نتیجه‌گیری و در پایان منابع ذکر می‌شود.

در اینجا وظیفه خود می‌دانم از اساتید راهنما و مشاور فرهیخته‌ام که در انجام این تحقیق راهنمایی و یاری فرموده‌اند سپاسگذاری کنم.

۱. زمان و مکان ارزیابی

زمان و مکان ارزیابی در دو گفتار به شرح زیر بررسی می‌شود.

۱-۱. زمان ارزیابی

یکی از عواملی که در تعیین خسارات وارده نقش دارد، عامل زمان ارزیابی خسارت است. خسارت از جهت ارتباط با عامل زمان به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند. یک دسته خساراتی هستند که به یک لحظه زمانی مرتبط هستند. مثل خسارت ناشی از حاصل نشدن ارزش مورد

تعهد در دارایی متعهدله که زمان فقط واسطه‌ای برای تشخیص یک قیمت از بین چند قیمتی است که ممکن است در طول زمان برای ارزش مورد تعهد وجود داشته باشد. دسته دیگر خساراتی است که به یک مقطع زمانی ارتباط پیدا می‌کند. برای مثال در تعیین بهره پول یا منفعت اعیان، سؤال این است که بهره و منفعت از چه زمان تا زمانی باید ارزیابی و محاسبه گردد. (رنجبر، ۱۳۸۷: ۲۰۰) مسأله زمان تقویم معادل پولی خسارت به دلایل زیر اهمیت قابل توجهی دارد:

اولاً- هدف مسئولیت مدنی تا چه حد امکان بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده به حالت اول خود است و اصل جبران کامل خسارت حاکمیت دارد. ثانیاً- ممکن است خسارت وارده به لحاظ خصوصیت و ویژگی منشأ آن، رو به افزایش باشد. ثالثاً- تورم و کاهش قدرت خرید پول، محاسبه خسارت با شاخص‌های قبلی را برای جبران خسارت ناکافی می‌سازد. عامل زمان در حقوق سه گانه بشرح زیر بررسی می‌شود.

۱-۱-۱. ایران

در مقررات ایران دستور مشخصی در خصوص اینکه خسارت ناشی از نقض عهد در چه زمان ارزیابی و محاسبه می‌شود، یافت نمی‌شود. تنها نکته روشن به موجب ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ این است که خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه محاسبه می‌گردد. در ماده ۷۲۴ قانون آئین دادرسی سابق نیز پیش‌بینی شده بود که خسارت تأخیر تأدیه تا روز اجرای حکم محاسبه می‌گردد.

دخالت زمان در تعیین خسارت در حقوق ایران فقط در مورد بحث غصب و نزد فقها و حقوق دانان مطرح شده است که اگر مال غصبی تلف شود غاصب باید قیمت چه زمانی را به مالک بپردازد.

به موجب ماده ۳۱۱ قانون مدنی تا زمانی که عین مال وجود دارد، امکان مطالبه قیمت و پرداخت پول یا تسلیم مال دیگر وجود ندارد و فقط باید عین مال به صاحبش رد شود حتی اگر قیمت مال تنزل پیدا کرده باشد، مالک چیزی جز عین مال نمی‌تواند مطالبه کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۵۳۶)

برخی بر این عقیده اند که زمان تقویم خسارت همان زمان انجام تعهد قراردادی است. مثلاً اگر تخلف از تعهد پرداخت ارز صورت گرفته باشد، خسارت بر مبنای نرخ ارز در روز انجام تعهد (سررسید) محاسبه می‌شود، یا اگر طبق قراردادی فروشنده موظف بوده در موعد معینی کالای را تحویل مشتری دهد و نداده است، نرخ آن کالا در همان موعد، مبنای محاسبه خسارت است. مستند این نظر، ماده ۲۲۶ ق. م است. (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۱۷۴) آنچه که بطور کلی و بعنوان ملاک‌های ارزیابی از نقطه زمانی قابل بیان می‌باشد این است که برای جبران

خسارت می‌توان زمان ورود خسارت، زمان طرح دعوا، زمان رسیدگی یا زمان صدور حکم (زمان پرداخت را بعنوان معیارهای ارزیابی در نظر گرفت. بدیهی است آثار توجه به هر معیار می‌تواند با سایر معیارها متفاوت باشد. لیکن به نظر می‌رسد در صورتیکه حکم خاصی وجود نداشته باشد زمان پرداخت یا صدور حکم یعنی حین الاداء مناسب‌ترین و منطقی‌ترین زمان، برای ارزیابی میزان خسارات باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۳۳۳)

در هر حال می‌توان در موارد خاص با توجه به مصالح، زمان‌های دیگر را برای ارزیابی‌ها در موارد مشابه تعیین نموده مثل زمان پرداخت دیه. (ره پیک، ۱۳۹۳: ۱۰۲)

۱-۲. امارات

طبق ماده ۳۸۹ قانون مدنی امارات متحده عربی که مقرر می‌دارد: ((اگر میزان جبران خسارت توسط قانون و یا قرار داد تعیین نشود، قاضی باید آن را متناسب با خسارت توسط واقعی وارده در زمان وقوع حادثه مورد ارزیابی قرار دهد^۱)). در واقع مقرره‌ی مزبور می‌خواهد بگوید که گاهی اوقات ضرر تغییر پیدا می‌کند و نه تنها در زمان وقوع ضرر و یا صدور حکم بلکه ممکن است ضرر و خسارت پس از صدور حکم نیز ایجاد گردد. بنابراین از زمان صدور حکم به جبران خسارت، تغییرات بعد از حکم نیز مطرح می‌شود که ضرورت دارد در ارزیابی جبران ضرر و ارزش آن و نیز ارزش خسارت یا ضرر در زمان صدور حکم به جبران آن باید بین زمانی که ضرر در حق مضرور اثر می‌گذارد یا زمان دیگری که میزان ضرر و ارزش آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، باید اشاره شود. هدف مسئولیت مدنی و جبران خسارت این است که وضع زیان دیده را به قبل از وقوع ضرر برگرداند و چیزی که اصل جبران کامل خسارت را محقق می‌سازد این است که تضمین می‌کند که همه خسارات وارده جبران شود، زمان صدور حکم است که به عدالت هم نزدیک‌تر است. (الدسوقی، ۱۴۱۶: ۱۹۴)

البته در پاسخ به این انتقاد که تغییراتی که در زمان بعد از وقوع ضرر ایجاد می‌شود هیچ ارتباطی به ناقض قرارداد ندارد باید گفت که بواسطه خلط مبحث بین ضرر وارده و تغییرات بعدی آن، ایراد قابلیت پذیرش ندارد زیرا ضرر با تغییر قیمت و شرایط اقتصادی، همیشه ثابت است و آنچه تغییر می‌کند فقط قیمت ضرر در زمانهای مختلف است. پس لازم است که در ارزیابی خسارت، قیمت آن در زمان صدور حکم به جبران، مورد توجه قرار گیرد که جبران کامل شود و این امر محقق نمی‌گردد مگر اینکه زمان صدور حکم ملاک قرار گیرد. پس در اینجا ضروری که به شخص مسئول بر می‌گردد وجود ندارد بلکه به قیمت بازار بر می‌گردد و ضرر ثابت است هر

۱. ماده ۳۸۹ ق.م.ا: ((اذا لم يكن التعويض مقدرا في قانون او في العقد قدره القاضي بما يساوي الضرر الواقع فعلاً حين وقوعه))

چند قیمت آن تغییر پیدا کرده است. (الدسوقی، ۱۴۱۶: ۱۹۵)

علاوه بر آن ملاک در تعیین میزان خسارت، روز صدور حکم است اعم از این که ضرر تشدید یافته یا کاهش پیدا کرده باشد. (السنهوری، ۱۹۵۲: ۱۸۶)

بنا بر مدلول ماده مرقوم، عامل زمان در نظام حقوقی امارات در تعیین میزان خسارت موثر است و زمان ارزیابی میزان خسارت زمان وقوع حادثه یا خسارت وارده می‌باشد که در این خصوص با حقوق ایران هماهنگی ندارد.

رویه قضایی امارات متحده عربی نیز بر همین مبنا استوار است.^۱

۱-۱-۳. کنوانسیون

در کنوانسیون جز در مورد روش خاص تقویم خسارات مندرج در ماده ۷۶، ذکر از زمان تقویم خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی به میان نیامده است. برخی از مفسران گفته‌اند که بر عهده قاضی یا داور است که بهترین و مناسب‌ترین روش تقویم را تعیین نماید و در این راستا رجوع به حقوق داخلی محملی ندارد زیرا موضوع، مشمول کنوانسیون است مگر این که در نهایت هیچ راهی جز رجوع به حقوق داخلی نمانده باشد.^۲ (بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون) با این وجود عامل زمان در مقررات کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در مادتين ۷۴، ۷۵، ۷۶ پیش‌بینی و موثر در مقام ارزیابی خسارات وارده اعلام شده است.

الف- طبق ماده ۷۴ کنوانسیون میزان خسارات وارده در زمان انعقاد قرارداد و تحت تأثیر حقایق، موضوعات و شرایط همان زمان اعلام شده است و نمی‌تواند متجاوز از آن ارزیابی گردد.

ب- مطابق ماده ۷۵ کنوانسیون به مدت معقول اشاره شده است که محدود به این مورد است که قرار فسخ شده باشد و خریدار کالای دیگری به جای مبیع خریداری نموده است با فروشنده مبیع را فروخته باشد که نهایتاً میزان خسارت به موجب ماده ۷۴ یعنی در زمان انعقاد قرارداد قابل ارزیابی است و به موجب این مقرره خسارت آنگونه محاسبه می‌شود که گویی هیچ قرارداد جانشینی منعقد نشده است. (هجده تن از دانشمندان حقوق جهان، ۱۳۹۱: ۹۶)

البته در حالتی که قرارداد فسخ شده ولی معامله‌ی جایگزین منعقد نگردیده باشد، ملاک تعیین خسارت اصلی تفاوت ثمن معامله و قیمت رایج مورد معامله است. این ملاک در مورد خریدار امکان‌پذیر است محقق باشد لیکن در خصوص فروشنده به سختی قابل تصور است. (Honnold, 1991:412)

ج- حسب ماده ۷۶ کنوانسیون میزان خسارت در صورت فسخ قرارداد و وجود ثمن رایج، در

1. Dubai court OF Cassation petition no 130/2006

2. 0Audit, ibid La event international derchandises, p164 1

زمان فسخ قرارداد ارزیابی می شود، مشروط بر اینکه کالا را بموجب ماده ۷۵ نخریده یا نفروخته باشد، تحصیل نماید. بعلاوه هر گونه خسارتی که بموجب ماده ۷۴ قابل مطالبه است را وصول نماید. در ادامه ماده ۷۶ اشاره شده که چنانچه پس از قبض کالا، فسخ صورت گیرد ثمن رایج در زمان قبض بجای ثمن رایج در زمان فسخ ملاک عمل خواهد بود. (رنجبر، ۱۳۸۷: ۲۱۵)

بنابراین در خصوص زمان ارزیابی بین حقوق سه گانه مورد بحث، هماهنگی وجود ندارد. النهایه به نظر می رسد با توجه به اینکه ارزش ها و قیمت ها در ازمنه‌ی مختلف در نوسان است و مابین قیمت زمان وقوع قرارداد و زمان پرداخت خسارت اختلاف و افزایش وجود دارد، موثرترین و منطقی ترین زمان، زمان پرداخت یا حین الادا می باشد که حقوق ایران از آن تبعیت می کند.

۱-۲. مکان ارزیابی

عامل مکان نیز مثل زمان در تعیین میزان خسارت به اشکال مختلفی نقش دارد. هر تعهدی باید در مکان مشخصی انجام شود. این مکان در تعیین ارزش تعهد هم مفید است. ارزش صد کیلو قهوه که باید در برزیل تسلیم خریدار شود با ارزش صد کیلو قهوه که در ایران باید تحویل خریدار گردد، یکسان نیست، بنابراین در زمان جبران خسارت باید به تأثیری که مکان در تعیین ارزش مورد تعهد دارد عنایت شود. بعنوان یک اصل مقدماتی می توان گفت که در تعیین خسارت اصلی باید ارزش مورد تعهد را در مکانی تعیین کرد که تعهد باید در آنجا انجام شود. مکان تعیین خسارت تبعی و فرعی هم موثر است. برای مثال هزینه استرداد کالایی که با قرارداد مطابقت نمی کند، از محل تحویل به خریدار تا محل فروشنده که مدتی در انبار نگهداشته شده متفاوت است و باید براساس نرخ انبار داری محلی که کالا در آن انبار شده محاسبه گردد. این دخالت مکان در تعیین خسارت تبعی و فرعی از فرمول خاصی تبعیت نمی کند. (رنجبر، ۱۳۸۷: ۲۱۷) مکان محاسبه خسارت را در نظامهای سه گانه بشرح زیر بررسی می کنیم.

۱-۲-۱. ایران

در حقوق ایران مکان تقویم اهمیت زیادی ندارد مگر در خصوص تعیین قیمت یا اجرت المثل منافع برخی اموال که بر حسب تفاوت مکان وقوع آن تغییر می یابد. به هر حال در اینجا نیز قاضی باید با توجه به اصل جبران کامل خسارت و لحاظ اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد و نوع استفاده‌ای که متعهدله از مورد معامله در نظر داشته و در قرارداد آمده یا صورت نوعی داشته است، مکان تقویم خسارت را تعیین نماید.

بنابراین در حقوق ایران به زحمت می توان نکته‌ای را در خصوص نقش مکان در تعیین خسارت ناشی از نقض عهد مشاهده کرد. در مباحث فقهی دخالت مکان مثل دخالت زمان در تعیین قیمتی که بر عهده غاصب است، به این شکل بررسی شده که اگر غاصب مال غصبی را جابجا کند به گونه ای که در مکانهای مختلف ارزش مختلف داشته باشد، غاصب ضامن بالاترین

قیمتی است که برای مال غصب شده در مکانهای مختلف وجود داشته است. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۷۴)

این مکانیزم در مورد بعضی از موارد نقض عهد مثل وقتی که امین از استرداد مال امانی امتناع می کند و غاصب محسوب می شود، قابل متابعت است. لیکن امکان تسری دادن مباحث غصب به تعیین مکان دخیل در تعیین خسارات ناشی از قراردادهای نیست زیرا اهداف این دو مقوله با هم متفاوت است. در بحث ارزیابی خسارات قراردادی مسئله این است که حال که متعهد به تعهد خود عمل نکرده و در نتیجه قرارداد فسخ شده و باید ارزش مورد تعهد را به متعهدله بپردازد، براساس ارزش کدام محل محاسبه شود. ملاک محاسبه کدامیک از محل استقرار متعهد یا محل تحویل کالا یا محل استقرار متعهدله است؟

در مورد مکان ارزیابی خسارت نیز ممکن است تفاوت‌های مشابهی وجود داشته باشد. نظریه‌ی تبعیت ملاک از زمان یا در نظر گرفتن مکان زیان‌دیده را می‌توان در این خصوص مورد توجه قرارداد و اصل توجه به خسارات تکمیلی در کنار خسارات اصلی را مطرح نمود. اصل مذکور را می‌توان از فروعات اصل ((اعاده‌ی وضع زیان‌دیده یا جبران کامل خسارات)) دانست. چه، ممکن است در هر مورد که خسارات مالی یا بدنی وارد شود، علاوه بر خسارات اصلی، مطالبه خسارات دیگری مثل خسارات تأخیر یا خسارات کاهش ارزش پول، مطرح شود. (ره پیک، ۱۳۹۳: ۱۰۲)

با عنایت به تنوع این نوع خسارات و متفاوت بودن نظام‌های حقوقی و در نظر گرفتن شرایط قراردادی و با توجه به اهداف حاکم بر ارزیابی خسارات و وضعیتی که در اثر عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در آن، برای متعهدله حادث شده و التفات به سایر شرایط و اوضاع و احوال مربوطه، مکان زیان‌دیده بمنظور مکان ارزیابی خسارات وارده، صائب بنظر می‌رسد و مورد توجه قرار گیرد.

۱-۲-۲. امارات

مطابق ماده ۳۶۱ قانون مدنی امارات متحده عربی مکان‌های تقویم خسارات قراردادی را می‌توان شامل محل‌های زیر دانست.

الف. محل تسلیم کالای موضوع قرارداد براساس محلی که در قرارداد تعیین و توافق گردیده است.

ممکن است در قرارداد محل معینی جهت اجرای تعهد قراردادی مورد توافق واقع شده یا نشده باشد بنابراین دو وضعیت در اینجا قابل تصور است:

۱- محلی که برای اجرای تعهد منظور شده در قرارداد معین باشد. در این صورت تسلیم کالای موضوع تعهد و بطور کلی اجرای تعهد باید در همان مکانی که در قرارداد تعیین شده

است، صورت گیرد مگر اینکه توافق دیگری بین طرفین قرارداد بعمل آمده باشد یا نص صریحی در مورد محل اجرای تعهد وجود داشته باشد که غیر از این را مقرر نموده باشد. بنابراین در صورت تعیین مکان توسط طرفین، ارزیابی و جبران خسارت وارده در همان مکان صورت می‌گیرد.

۲- در صورتی که مکانی برای تسلیم موضوع تعهد تعیین نگردیده باشد لیکن توافق بعدی طرفین دلالت بر محل دیگری داشته باشد، محل جدید بعنوان مکان ارزیابی شناخته می‌شود.

ب. محل انعقاد قرارداد و ایجاد عقد

محل انعقاد قرارداد که در واقع محل ایجاد تعهد است نیز طبق توافق طرفین و براساس مندرجات قرارداد می‌تواند علاوه بر محل تسلیم کالای موضوع قرارداد و مستقل از آن، بعنوان مکان تقویم خسارت وارده مورد نظر طرفین واقع شود. (کدفور المپیری، ۲۰۰۹: ۳۲۴)

ج. محل اقامتگاه مهم متعهد

اقامتگاه متعهد که موطن متعهد نیز نامیده می‌شود و نیز مرکز اعمال متعهد ممکن است بعنوان مکان ارزیابی یا جبران خسارت ملاک قرار گیرد. موطن یا اقامتگاه متعهد یا ناقض تعهد در واقع همان مکانی و محلی است که در قرارداد بعنوان محل سکونت قید می‌شود لیکن مرکز اعمال مدیون یا متعهد در مواردی بعنوان مکان ارزیابی یا جبران خسارت ملاک قرار می‌گیرد که موضوع تعهد یا خسارت مربوط به اعمال شخص باشد مثلاً در موردی که موضوع تعهد و قراردادی که منتهی به نقض و یا تأخیر در اجرا شده، تحویل تولیدات کارخانه ای باشد.

در الزامات خارج از قرارداد مثل غصب نیز بر طبق مقررات مذهب حنفی واجب است که مال معصوب در مکان غصب حتی با تفاوت قیمت در مکانهای مختلف به مالک تسلیم شود. (شراره، ۱۰۸: ۱۴۱۴)

۱-۲-۳. کنوانسیون

در کنوانسیون بیع بین‌المللی نیز قاعده ای عام برای تعیین مکان محاسبه خسارت بیان شده است. لیکن در بعضی از مقررات کنوانسیون تحت شرایطی به مکانهایی اشاره شده که بشرح زیر است:

الف- در بند ۲ ماده ۷۶ که ناظر به حالتی است که قرارداد فسخ شده است و معامله جایگزین منعقد نگردیده است و خسارت اصلی براساس قیمت رایج تعیین می‌شود مقرر شده است که: ((.....قیمت رایج عبارتست از قیمت متداول در محلی که کالا می‌بایست رد آن محل تسلیم می‌شد و چنانچه در آن محل قیمت رایجی موجود نباشد، قیمت رایج در محل دیگری که جایگزین معقول محل مزبور باشد با احتساب تفاوت هزینه های حمل و نقل کالا.))

ب- با توجه به ماده‌ی ۳۱ کنوانسیون مکانی که کالا باید در آنجا تحویل داده شود، قابل

تعیین است. به‌ویژه هنگامی که قرارداد فروش مشمول حمل و نقل باشد، تسلیم در مکانی است که کالا به اولین حمل و نقل کننده برای انتقال به خریدار تسلیم می‌گردد و در قراردادهایی که کالا باید در مقصد تسلیم شود، تسلیم در محل مقصد کالا صورت می‌پذیرد. (هجده تن از دانشمندان حقوق جهان: ۱۰۴)

تفسیری که از ماده ۷۶ می‌توان بعمل آورد و با منطق حقوقی و ظرایفی که در ماده‌ی مذکور وجود دارد این است که به قیمت محل جایگزین، تفاوت هزینه حمل بین محل تحویل و بندر مقصد و هزینه حمل بین محل جایگزین و بندر مقصد اضافه شود. (رنجبر، ۱۳۸۷: ۲۲۱)

در این صورت محل تسلیم کالای موضوع قرارداد مطابق ماده مرقوم و قابل اعمال بودن مقررات کنوانسیون در تمام نقاط دنیا و تأثیر عوامل اقتصادی موثر در میزان خسارت از قبیل قیمت رایج کالا، نرخ تورم، هزینه‌های حمل و نقل و تفاوت آنها در مکانهای مختلف، بهترین و صائب‌ترین مکان جهت ارزیابی خسارات قراردادی مشمول کنوانسیون می‌باشد.

۲. زمان و مکان جبران خسارت

زمان و مکان جبران خسارت قراردادی در دو گفتار جداگانه بیان می‌شود.

۲-۱. زمان جبران

همانطور که در مبحث پیشین گفته شد این ابهام در بحث جبران خسارات به صورت کامل در عمل وجود دارد که عملاً چه زمان می‌توان گفت که تمام خسارات جبران شده محسوب است. زمان استقرار زین‌دیده در وضعیتی است که قبل از ورود ضرر در آن مستقر خواهد شد، زمان صدور حکم دادگاه ملاک است یا زمان پرداخت خسارت. در هر حال عامل زمان در جبران خسارت موثر است که در نظامهای مورد بحث بررسی می‌شود.

۲-۱-۱. ایران

متغیر زمان در بحث جبران خسارت دارای اهمیت است. چه وقت باید جبران خسارت صورت گیرد و چه زمانی خسارت وارده جبران شده تلقی می‌شود. دادگاه در مقام رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت و در صورت اجتماع ارکان مسئولیت قراردادی، یعنی خسارت و نقض قرارداد و رابطه علیت بین ورود خسارت و نقض عهد و نیز احراز شرایط قابل مطالبه بودن خسارت از جمله مستقیم و بلاواسطه بودن خسارت، متغیر زمان را بر چه مبنایی اعمال کند. بر مبنای یوم الرد ویوم الادا یا بر مبنای زمان نقض قرارداد یا زمان صدور حکم و چنانچه دادرسی و صدور حکم طولانی شود و به مدت چند سال طول کشید تدبیر چیست و اهمیت زمان چگونه بررسی و دخالت داده می‌شود؟

برای یافتن پاسخی متناسب و منطبق با موازین قانونی، زمان جبران خسارت بنحوی که در مقررات قانونی مدنی و فقه مورد استعمال دارد و به عنوان معیار و ملاک قابل طرح است بیان

می شود.

الف. شاخصه زمان در الزامات خارج از قرارداد بعنوان ملاک

۱- بموجب ماده ۳۱۱ قانون مدنی ((غاصب باید مال معصوب را عیناً به صاحب آن رد نماید)) تا زمانی که عین مال وجود دارد امکان مطالبه قیمت و پرداخت پول یا تسلیم مال دیگر وجود ندارد و فقط باید عین مال به صاحبش رد شود حتی اگر قیمت مال تنزل پیدا کرده باشد، مالک چیزی جز عین مال نمی تواند مطالبه کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۵۳۶)

۲- طبق ماده ۳۱۲ قانون مدنی که مقرر می دارد: ((هر گاه مال مغصوب مثلی بوده و مثل آن پیدا نشود، غاصب باید قیمت حین الاداء را بدهد)).

تعذر رد مثل باعث تبدیل تعهد آن به قیمت نمی شود و باید قیمت را در زمان اداء بپردازد. (کاتوزیان، همان، ۵۴۴)

۳- در ماده ۶۴۸ قانون مدنی در باب قرض که مقرر می دارد: ((.....و در صورت تعذر رد مثل قیمت یوم الرد را بدهد.)) مقترض باید قیمت مالی را که قرض کرده و رد مثل آن متعذر است را بر مبنای قیمت یوم الرو به قرض دهنده پرداخت کند.

بنابراین معیار اصلی در وفقه در مورد جبران خسارت در ضمانات قهری مثل ضمان غاصب یوم رد و یوم تلف است و نوسانات بعدی قیمت تأثیری در ضمان غاصب ندارد.

ب. متغیر زمان در خساراتی که بطور مقطوع مورد توافق قرار گرفته است

در صورتیکه در قرارداد میزان خسارت برابر مبلغ مقطوعی معین شده باشد دادگاه نمی تواند آن را به استناد افزایش قیمتها یا تنزل ارزش پول تغییر دهد. در اینجا متغیر زمان در امر جبران خسارات وارده تأثیری ندارد و خسارتی که از ترقی یا تنزل ارزش پول وارد می گردد در اثر حادثه ای است خارجی که به عمل خواننده ارتباط ندارد. (کاتوزیان، همان، ۵۲۲)

تعیین خسارت ناشی از نقض تعهد که در بسیاری از قراردادها صورت می گیرد در حقوق ایران تحت عنوان وجه التزام نام گذاری می شود لیکن در صورتی که دادرسی دعوی مربوط به مطالبه آن چند سال به درازا بکشد و قدرت خرید پول کاهش می یابد و سطح هزینه ها فزونی پیدا می کند در نتیجه دادگاه برای استقرار وضع زیان دیده به حال مورد انتظار وی از اجرای قرارداد باید به هزینه جبران خسارت در زمان ورود خسارت توجه کند و در غیر این صورت بخشی از خسارات وارده جبران نشدنی باقی خواهد ماند. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۳۴۱)

با عنایت به مطالب پیش گفته و ملاکهای زمانی پیش بینی شده در قانون مدنی و در نظر گرفتن عرف معاملاتی و اهداف منظور طرفین قرارداد که خود را از لحاظ اقتصادی در موقعیت اجرای قرارداد می بینند، مناسب ترین زمان جبران خسارت، ملاک مذکور در ماده ۳۱۲ قانون مدنی یعنی روز ادا یا یوم الاداء می باشد.

۲-۱-۲. امارات

راجع به زمان جبران خسارت بعنوان یک عامل موثر، با توجه به مدلول ماده ۳۸۹ قانون مدنی امارات به نظر می‌رسد که جبران خسارت قراردادی بر مبنای یوم تلف مورد پذیرش و محاسبه قرار گرفته است که با نظر مشهور فقهای امامیه در سیستم حقوقی ایران منطبق است لیکن این بحث و این سؤال وجود دارد که آیا در ارزیابی خسارت باید به اندازه و قیمت ضرر در زمان وقوع فعل زیانبار و وقوع ضرر توجه شود یا زمان صدور حکم به جبران خسارت باید ملاک قرار گیرد. در واقع می‌خواهد بگوید که گاهی اوقات ضرر تغییر پیدا می‌کند و نه تنها در زمان وقوع ضرر و یا صدور حکم بلکه ممکن است ضرر و خسارت پس از صدور حکم نیز ایجاد گردد. بنابراین از زمان صدور حکم به جبران ضرر، تغییرات بعد از حکم نیز مطرح می‌شود که ضرورت دارد در ارزیابی جبران ضرر و ارزش آن و ارزش خسارت یا ضرر در زمان صدور حکم به جبران آن باید بین زمانی که ضرر در حق مضرور اثر می‌گذارد یا زمان دیگری که میزان ضرر و ارزش آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، باید اشاره شود. مثلاً اتومبیل موضوع خسارت در زمان صدور حکم یک قیمت دارد و در زمان وقوع ضرر قیمت دیگر، در اینجا ارزیابی‌ها تفاوت می‌کند. در این قضیه در حقوق فرانسه قضاات به این نتیجه رسیده‌اند که حق این است که در جبران ضرر، زمان وقوع ضرر محاسبه شود نه وقت جبران ضرر. اما وقتی که زمان ارزیابی ضرر باید مورد توجه قرار گیرد، روند قضایی حکایت دارد که وقت صدور حکم هم باید مورد توجه واقع شود. امری که بر قاضی واجب است به تغییرات ویژه‌ای که باید به اندازه خسارت و عناصر تشکیل دهنده آن مربوط می‌شود توجه نماید زیرا بالا رفتن قیمت یا کاهش آن از عناصری است که در تعیین میزان جبران خسارت باید مورد توجه قرار گیرد. هدف مسئولیت مدنی و جبران خسارت این است که وضع زیان‌دیده را به قبل از وقوع ضرر برگرداند و چیزی که اصل جبران کامل خسارت را محقق می‌سازد این است که تضمین می‌کند که همه خسارات وارده جبران شود، زمان صدور حکم است که به عدالت هم نزدیک تر است (الدسوقی ابواللیل، ۱۹۹۵، ۱۹۴) البته انتقاداتی به زمان صدور حکم وارد است که در مسئولیتهای قهری و قرار دادی بیشتر مطرح می‌شود که عبارتند از:

۱- تغییراتی که در ضرر بعداً ایجاد می‌شود هیچ ارتباطی به فاعل ضرر یا خطای او ندارد و رابطه سببیتی قابل تصور نیست و عامل ضرر مسئول تغییرات قیمت بازار نیست و زیانهای مربوط به تغییر قیمت بازار براساس رابطه سببیت نزدیک قابل انتساب به عامل زیان نمی‌باشد. پاسخی که به ایراد مذکور داده می‌شود این است که امکان پذیرش این ایراد وجود ندارد زیرا بین ضرر خلط مبحث شده است. ضرر با تغییر قیمت و شرایط اقتصادی، همیشه ثابت است و آنچه که تغییر می‌کند فقط قیمت ضرر است.

پس لازم است که در ارزیابی خسارت، قیمت ضرر در زمان صدور حکم به جبران، مورد توجه قرار گیرد که جبران کامل شود و این امر محقق نمی شود مگر اینکه زمان صدور حکم ملاک قرار گیرد. پس در اینجا ضرری که به شخص مسئول بر گردد وجود ندارد بلکه به قیمت بازار بر می گردد و ضرر ثابت است هر چند قیمت آن تغییر پیدا کرده است (الدسوقی، همان، ۱۹۵)

۲- اصولاً زیان‌دیده باید بعد از ورود خسارت، مال موضوع خسارت را اصلاح کند. مثلاً اتومبیل صدمه دیده را باید فوری تعمیر کند تا از خطر بالا رفتن قیمت ضرر در امان باشد، حالا که کوتاهی کرده باید تبعات آن را خودش بپذیرد. مطابق این ایراد در ارزیابی قیمت زیان نباید به زمان صدور حکم توجه کنیم مگر اینکه زیان‌دیده نتواند فوراً در صدد اصلاح ضرر برآید.

پاسخ ایراد فوق این است که درست است که باید جلوی ضرر گرفته شود ولی ممکن است این تعهد بر عهده فاعل ضرر باشد نه زیان‌دیده، پس عامل زیان یا مسئول باید نتیجه‌ی تقصیر یا اهمال خود را پذیرا باشد مگر اینکه زیان‌دیده مانع از انجام کار توسط مسئول شود. مثلاً زیان‌دیده اتومبیل را جهت تعمیر به مسئول ندهد که در اینجا مسئولیتی متوجه مسئول نیست بلکه متوجه زیان‌دیده است.

۳- در توجیه مطلب به تئوری عدالت استناد شده است. تأخیر در رسیدگی قضایی که باعث تغییر در قیمت ضرر می شود، متوجه دستگاه قضایی است. حق این است که قبل از بالا رفتن قیمت، میزان خسارت ارزیابی گردد و حالا که رسیدگی طولانی می شود چرا بحث عدالت را متوجه یک طرف کنیم و طرف دیگر حق و سهمی در اجرای عدالت نداشته باشد. به بیان دیگر چرا نتیجه‌ی تأخیر در اجرای عدالت بر دوش مسئول باشد و سهمی از بالا رفتن قیمت بر عهده زیان‌دیده قرار نگیرد.

۴- شخص مدیون که بواسطه تعهدات قراردادی مرتکب خطای سنگین یا فریب نشده است فقط مسئول زیانهای قابل پیش بینی عمل خود است که امکان پیش بینی آن در زمان انعقاد قرارداد وجود داشته است و از ضرهای غیر قابل پیش بینی معاف است. در پاسخ به این ایراد گفته می شود که این ایراد به دلیل دوری که در آن ایجاد می شود رد می گردد چون ضرر همیشه یکی است و ثابت است و آنچه تغییری می کند قیمت است و تغییر قیمت در شرایط زندگی در دنیای امروزی از امور غیر قابل پیش بینی است (الدسوقی، همان، ۱۹۶)

۵- اخیراً بعضی ایراد کرده اند که اگر موضوع تعهد مبلغی نقد باشد، مدیون متعهد به پرداخت همان مبلغ ذکر شده در عقد بدون توجه به بالا رفتن یا کاهش قیمت در زمان پرداخت می باشد. مثلاً صد تومان همان صد تومان است. در پاسخ به این ایراد گفته می شود اینکه اصل

قیمت اسمی (همان عدد یا همان مبلغ) قابل تطبیق بر دینی که بر عهده مدیون قرارداد، نیست بلکه فقط منحصر به دیونی است که موضوعش مبلغ معین و معلوم المقدار و تابع همان مسائل قراردادی است و شامل خساراتی که مبلغ معین ندارد نمی‌شود و صرفاً در خصوص تعهدات نقدی صادق است.

نتیجه‌ی حاصله از مباحث بالا این است که قیمت ضرر باید در زمان صدور حکم ملاک قرار گیرد (الدسوقی، همان، ۱۹۷). ملاک در تعیین میزان خسارت، روز صدور حکم است اعم از آن که ضرر، تشدید یافته یا کاهش پیدا کرده باشد. (السنهوری، ترجمه، ۱۳۸۴، ۱۸۶)

بنابراین ایرادات معنونه فوق بر حقوق امارات که یوم تلف را پذیرفته وارد است و در واقع برای جبران کامل خسارت و اعاده وضع زیان‌دیده به حالت قبل از وقوع خسارت ضرورت دارد قیمت زمان صدور حکم (قیمت روز) محاسبه و منظور شود زیرا قیمت یوم تلف با عنایت به اهداف جبران خسارت جوابگو نیست.

۲-۱-۳. کنوانسیون

زمان جبران خسارات قراردادی در کنوانسیون در موارد مختلفی پیش بینی شده است و شرایط متفاوتی نیز از حیث استحقاق زیان‌دیده در مورد آنها معین گردیده است و به گونه‌ای است که با نظام حقوقی ایران و امارات متحده عربی تفاوت دارد. این موارد به ترتیب زیر بیان می‌شوند.

۱- طبق ماده ۵۵ کنوانسیون که مقرر می‌دارد: ((..... چنین فرض می‌شود که طرفین بطور ضمنی بر روی ثمنی که عموماً در زمان انعقاد قرارداد برای چنان کالای فروخته شده‌ای که در اوضاع و احوال مشابه در تجارت مربوطه رایج است توافق کرده‌اند.)) براساس این مقرر اولین عامل برای تعیین ثمن عنصر زمان یعنی زمان انعقاد قرارداد است و ثمن جاری در زمان تسلیم مبیع حائز اهمیت نیست. (هجده تن، همان، ۲۶۶)

۲- در ماده ۷۵ کنوانسیون که ناظر به حالتی است که قرارداد فسخ شده است، عامل زمان هم در تعیین خسارات وارده دخالت داده شده است و مبنای خسارت استحقاقی طرف زیان‌دیده را زمان معامله جایگزین اعلام داشته است که باید گفت این ملاک زمانی فقط برای خسارات اصلی است و الباقی خسارات بر طبق ماده ۷۴ بررسی و جبران می‌شود. (رنجبر، ۱۳۸۷، ۲۱۲)

۳- در ماده ۷۶ کنوانسیون در مورد متغیر زمان دو حالت پیش بینی شده است. حالت اول این است که در صورت دریافت کالا توسط زیان‌دیده و اقدام به فسخ قرارداد، قیمت رایج در تاریخ تحویل کالا ملاک است. حالت دوم، ملاک تاریخ فسخ قرارداد می‌باشد. (رنجبر، همان، ۲۱۳)

۲-۲. مکان جبران خسارت

منظور از مکان جبران خسارت این است که در چه مکانی اصل جبران کامل خسارت

محقق می‌شود و کدام مکان می‌تواند زیان‌دیده را در وضعیتی قرار دهد که قابل شویم که تمام خسارات وارده بر وی جبران شده محسوب می‌گردد. مثلاً در فرض تغییر قیمت یا افزایش آن، میزان خسارات وارده باید بر اساس چه مکانی بعنوان متغیر جبران خسارت پرداخت گردد. متغیر مکان را با توجه به نظامهای سه گانه بررسی می‌کنیم.

۲-۲-۱. ایران

در مقررات قانونی ایران، حکم خاصی در مورد مکان جبران خسارت دیده نمی‌شود لیکن با توجه به عرف قراردادی و اهداف جبران خسارت و موقعیت‌ها و وضعیت‌هایی که در جهت تأمین خسارات وارده به زیان‌دیده در اصول حاکم بر جبرانها از جمله اصل توجه به خسارات تکمیلی در کنار خسارات اصلی که مرادف است با اصل جبران کامل خسارات وارده، می‌توان موارد زیر را بعنوان متغیر زمان که در جریان جبران خسارات وارده به زیان‌دیده موثر می‌باشد، بیان نمود.

الف. تبعیت متغیر مکان از زمان

مکان جبران خسارت را می‌توان تابع زمان جبران در نظر گرفت. چون در مسئولیت قراردادی که زمان خاصی برای پرداخت خسارات در نظر گرفته نشده، بنظر می‌رسد تاریخ تعیین و پرداخت خسارات، زمان صدور حکم قطعی توسط دادگاه صلاحیتدار است و حکم دادگاه به الزام خواننده صورت خارجی می‌بخشد و آنرا تبدیل به دین مبلغی پول می‌کند، (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۸۰۷) حکم به جبران تمامی خسارات و ضررهای ناشی از عدم انجام تعهد صادر می‌نماید، مناسب‌ترین زمان، زمان پرداخت است پس مکان جبران نیز به تبعیت از آن در مکان صدور حکم در نظر گرفته شود. (ره پیک، همان، ۱۰۲)

ب. محل انعقاد قرارداد

۱- طبق ماده ۳۷۵ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: ((مبیع باید در محلی تسلیم شود که عقد بیع در آنجا واقع شده است مگر اینکه عرف و عادت، مقتضای تسلیم در محل دیگر باشد و یا در ضمن بیع محل مخصوص برای تسلیم معین شده باشد.))

۲- طبق بند ۶ ماده ۲۲۳ قانون تجارت مکان تأدیه وجه برات و سفته باید در محلی پرداخت شود که در اسناد مزبوره بعنوان مکان و محل پرداخت مورد توافق قرار گرفته است. ممکن است مکان انعقاد قرارداد با مکان اجرای قرارداد با یکدیگر تفاوت داشته باشند در این صورت بهترین مکان برای جبران خسارت مکان اجرای قرارداد می‌باشد.

با توجه به ملاکهای اشاره شده در فوق و سکوت قوانین موضوعه و در نظر گرفتن اصول و اهداف جبران خسارت و منطق حقوقی و اصول حاکم بر قراردادها مثل اصل حاکمیت اراده بنظر می‌رسد بهترین مکان برای پرداخت و جبران خسارات وارده مکان انعقاد قرارداد است و چنانچه محل انعقاد قرارداد با محل اجرای قرارداد متفاوت باشد، چون مکان اجرای قرارداد، بیشترین

ارتباط را با متعهدله دارد بویژه در صورتیکه مکان تسلیم یا قبض کالا یا اجرای تعهدات قراردادی نیز خواهد بود و به بهترین وجه انتظارات زیان‌دیده و وضعیت او را تأمین و تضمین می‌کند، محل اجرای قرارداد ملاک مکانی مناسبی برای جبران خسارات قراردادی محسوب می‌گردد. توافق طرفین در قرارداد براساس حاکمیت اراده در مورد مکان اجرای قرارداد این نظر را تقویت می‌کند.

۲-۲-۲. امارات

در حقوق امارات متحده عربی تنها مقرر شده است که در خصوص مکان اجرای تعهد تعیین تکلیف بعمل آورده ماده ۳۶۱ قانون مدنی است^۱. ماده مذکور در دو بند تدوین گردیده است که براساس آن مکان انجام و اجرای تعهدات قراردادی در دو مقوله شرح زیر مقرر شده است:

۱- محلی که برای اجرای تعهد در نظر گرفته شده است معین شده باشد. در این صورت تسلیم کالای موضوع تعهد و بطور کلی اجرای تعهد باید در همان مکانی که در وقت ایجاد تعهد و التزام توافق و تعیین شده است، صورت گیرد مگر اینکه توافق دیگری بین طرفین قرارداد بعمل آمده باشد یا نص صریحی در مورد محل اجرای تعهد وجود داشته باشد که غیر از این را مقرر نموده باشد. بنابراین در صورتی که طرفین محلی را تعیین نموده باشند، تعهد یا جبران خسارات وارده در همان مکان باید صورت گیرد و چنانچه محلی تعیین نشده باشد لیکن توافق بعدی طرفین حکایت از محل دیگری داشته باشد، در آن محل و در صورتی که هیچیک از موارد مذکور محقق نباشد، در محلی که نص روشن و صریحی مقرر کرده باشد، انجام می‌شود. در واقع همان ترتیبی که در قانون مدنی ایران آمده است.

۲- موطن متعهد یا مدیون یا مرکز اعمال آنها، در تعهدات دیگر، ایفای تعهد و در نتیجه جبران خسارات قراردادی باید در مکانی بعمل آید که موطن متعهد یا مدیون در آن قرارداد یا مکانی که مرکز اعمال متعهد یا مدیون در آن مستقر است. در این مقوله دو نوع مکان مورد بحث قرار گرفته است: یکی موطن متعهد یا مدیون و دیگری مرکز اعمال مدیون یا متعهد.

محل مرکز اعمال مدیون در واقع در مواردی بعنوان محل ایفای تعهد و جبران خسارات وارده ملاک قرار می‌گیرد که موضوع تعهد یا خسارت مربوط به اعمال شخص باشد مثلاً در موردی که موضوع تعهد و قرارداد تحویل تولیدات کارخانه‌ای باشد که در این صورت باید محل

^۱ ماده ۳۶۱ ق. م. ا: ۱- اذا كان الالتزام معيناً بالتعيين وجب تسليمه في المكان الذي كان موجوداً فيه وقت نشوء الالتزام ما لم يوجد اتفاق او نص يقضي بغير ذلك ۲- اما في الالتزامات الاخرى فيكون الوفاء في المكان الذي يوجد في موطن المدين وقت الوفاء او في المكان الذي يوجد فيه مركز اعمال المدين اذا كان الالتزام متعلقاً بهذه الاعمال .

اجرای تعهد یا خسارات ناشیه در همان مرکز اعمال شخص در نظر گرفته شود. در الزامات خارج از قرارداد مثل غصب نیز بر طبق مقررات مذهب حنفی واجب است که مال معضوب در مکان غصب حتی با تفاوت قیمت در مکانهای مختلف به مالک تسلیم شود. (شراره، ۱۴۱۴ق، ۱۰۸) فقهای شیعه نیز بر رد مال معضوب به مالک در محل غصب اتفاق نظر دارند. (شراره، همان، ۱۰۷)

۲-۲-۳. کنوانسیون

در مواردی از کنوانسیون مکانهای متفاوتی بنا به توافق طرفین قراردادها یا بعنوان محل پرداخت مقرر شده است که اهم آنها را می توان به ترتیب زیر بر شمرد:

۱- طبق شق الف از بند ۱ ماده ۵۷ کنوانسیون ((۱-اگر خریدار ملزم به تأدیه ثمن کالا در مکان ویژه دیگری نباشد، او باید ثمن را: الف- در محل تجارت فروشنده، یا ب- اگر پرداخت در مقابل کالا یا اسناد می بایست صورت گیرد در جایی که تحویل صورت می گیرد، به فروشنده بپردازد.....))

۲- با استنباط از ماده ۵۵ کنوانسیون اگر چه این ماده در بردارنده مکان انعقاد قرارداد بعنوان یک معیار نیست ولی می توان با اطمینان ادعا کرد که بازاری که قرار داد در آن منعقد شده است باید بعنوان مکان بحساب آورده شود. (هجده تن، همان، ۲۶۶)

بنابراین در کنوانسیون بیع بین المللی کالا معیار مکان جبران خسارت را بر محل انعقاد قرارداد یا محل تسلیم و تحویل کالای موضوع معامله استوار نموده است که از این حیث تا حدودی با مقررات ایران هماهنگی دارد.

نتیجه گیری

هر چند عوامل زمان و مکان در تعیین خسارات قراردادی در حقوق سه گانه مورد بررسی، در ارزیابی و برآورد میزان خسارات وارده دخیل و موثر قلمداد شده است لیکن حکایتی از تبعیت نظام‌های حقوقی موصوف از قاعده‌ی عام واحدی در آنها دیده نمی‌شود. بدین توضیح که در مقررات ایران راجع به نقش و تأثیر زمان قاعده‌ی عام و صریحی اعلام نگردیده است. در حقوق امارات صریحاً زمان وقوع خسارت (وقوع حادثه) به عنوان قاعده‌ی کلی بیان شده است و در کنوانسیون وین سخنی در مورد زمان ارزیابی بعنوان یک قاعده‌ی ثابت و معین بیان نگردیده است. بنابراین در خصوص عامل زمان انطباق و هماهنگی بین حقوق سه گانه ملاحظه نمی‌شود. در نتیجه به نظر می‌رسد با عنایت به نوسان اجتناب ناپذیری که قیمت‌ها در زمانهای مختلف دارد و اختلاف و افزایشی که بین قیمت زمان وقوع قرارداد و زمان پرداخت خسارت قابل تصور است، مکانیزمی که در حقوق ایران پیش بینی شده یعنی زمان پرداخت یا حین الادا موثرترین و منطقی‌ترین زمان می‌باشد.

پیرامون نقش و دخالت عامل مکان در خسارات ناشی از نقض عهد، در حقوق ایران نکته یا دستور روشن و خاصی به غیر از مقوله‌ی فقهی غصب که مسئولیت غاصب را در مکانی که بالاترین قیمت را توصیه می‌کند مقرر شده، مشهود نیست. در حقوق امارات متحده عربی قاعده‌ی واحدی بیان نشده و حسب مورد مکانهای مختلفی را بعنوان مکان ارزیابی خسارت قراردادی معرفی نموده است و در کنوانسیون بیع بین المللی نیز قاعده‌ی عامی مقرر نشده است لیکن قیمت مکانهای متفاوتی بر مبنای وضعیت و سرانجام قارداد منعقد، مورد بررسی قرار گرفته که با توجه به قابلیت اعمال مقررات کنوانسیون رد تمام نقاط دنیا و در نظر گرفتن عوامل اقتصادی در میزان خسارت وارده و هزینه‌های حمل و نقلی که تحمیل می‌شود و تفاوت این هزینه‌ها در مکانهای مختلف، ارزیابی خسارات براساس قیمت محل تسلیم کالای موضوع تعهد بهترین و صائب‌ترین مکان برای ارزیابی خسارات قراردادی مشمول کنوانسیون می‌باشد که تبعیت سایر نظام‌های حقوقی از آن با اهداف جبران خسارت و اصول حاکم بر آن سنخیت بیشتری دارد. بعلاوه اصول اخلاقی نیز بر ارزیابی و جبران خسارت قراردادی بر اساس زمان و مکانی که خسارت را به نحو کامل‌تر برای زیان‌دیده تأمین می‌کند، نظر دارد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- ۱- امیری قائم مقامی، عبدالحمید، حقوق تعهدات، ج ۱، ۱۳۷۸، چاپ اول، تهران، نشر میزان
- ۲- بهمنی، محمد، تابستان ۱۳۸۶، مروری بر شیوه‌ی خاص ارزیابی خسارات قراردادی با تکیه بر مواد ۷۵ و ۷۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۲.
- ۳- رنجبر، مسعود رضا، تعیین خسارات ناشی از نقض قرارداد، ۱۳۸۷، چاپ اول، تهران، نشر میزان
- ۴- ره‌پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبرانها، ۱۳۹۳، چاپ دوم، انتشارات خرسندی
- ۵- شرافت‌پیما، محمدرضا، ۱۳۷۸، شیوه‌های جبران خسارت در حقوق ایران و مصر، دانشگاه تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی.
- ۶- قاسمی، محسن، جبران خسارت نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در حقوق ایران، فرانسه، مصر و لبنان، ۱۳۸۴، مجله حقوقی، نشر دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۲.
- ۷- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد یک، ۱۳۷۶، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار
- ۸- کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، ج ۱، ۱۳۷۸، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه
- ۹- کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، ۱۳۹۲، تهران، انتشارات دانشگاه
- ۱۰- هجده تن از دانشمندان حقوق جهان، تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، ترجمه محراب داراب پور، چاپ دوم، ۱۳۹۱، تهران، انتشارات گنج دانش
- ۱۱- الدسوقی ابوالیل، ابراهیم، تعویض الضرر فی المسئولیه المدنیه، ۱۴۱۶، جامعه الکویت
- ۱۲- السنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۱، ۱۹۵۲، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت
- ۱۳- شراره، عبد الجبار حمد، احکام الغضب فی الفقه الاسلامی، ۱۴۱۴، مکتب اعلام الاسلامی
- ۱۴- کدفورالمهیری، خالد محمد، موسوعه العقود فی دوله الامارات العربیة المتحدہ، الجزا اول، ۲۰۰۹، دبی، معهد القانون الدولی.

ب. منابع انگلیسی

- 15- Audit, La vente internationale des Marchandises, N.172,L.D.J,1990.
- 16- Honnold, johno.unifrom Low for international sales under the 1980 united nation convention, Kluwer Law and taxation publisher, Deventer Boston,1991.